

## تبیین چالش‌های فرا روی آمایش سرزمین در نظام مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و راهکارهای مرتفع نمودن آن

سحر نجارلشگری<sup>۱</sup>، مریم گلی توانا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، تنکابن، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، تنکابن، ایران

نویسنده مسئول:

سحر نجارلشگری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی علوم اسلامی انسانی

### چکیده

آمایش سرزمین اساس همه انواع برنامه ریزی در کشورها اعم از ملی و منطقه ای را تشکیل می دهد و برنامه ریزی در نظام مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با همه گستردگی در کلیه سطوح آن را نیز در بر می گیرد. آمایش در ایران تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همواره تغییرات بسیار زیادی را شاهد بوده است. لذا شناخت این تحولات برای رسیدن به راهکارهای عملی و رفع موانع فراروی آمایش سرزمین بسیار حیاتی می باشد. این پژوهش به منظور تبیین چالش‌های فرا روی آمایش سرزمین در نظام مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و راهکارهای مرتفع نمودن آنها به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت. نتایج نشان داد مهمترین علل عدم تحقق برنامه های آمایش سرزمین در ایران در زمینه های مفهومی، سازمانی و قانونی است. از جمله چالش‌های فراروی آمایش سرزمین در ایران می توان به ساختار تک ساخت سیاسی، تقسیم بندی نامناسب سیاسی- اداری، نبود تعریف مناسب از منطقه، بی توجهی به مسأله جمعیت و مهاجرت، فقدان طرح نظام مند، عدم توجه یک اندازه به همه ابعاد آمایش سرزمین، فشارهای سیاسی برای اجرای طرح‌ها و پروژه های فاقد توجیه اقتصادی و فنی، فقدان مدل مناسب، برداشت های نادرست و شناخت اندک، شرایط جغرافیایی، قوانین کم و بیش مستقل و الزام آور، جایگاه تشکیلاتی مهم، وجود نگاه غالب بخشی در برنامه ریزی های میان مدت توسعه اشاره کرد. بررسی جایگاه مفهومی برنامه ریزی آموزشی در آمایش سرزمین نشان داد که این مفاهیم نزد برنامه ریزان بخشی و مجریان نیز ناشناخته و دارای ابهام مفهومی است و دلایل آن کمبود مبانی نظری در این زمینه و عدم وجود تعامل بین آمایش سرزمین و آمایش در نظام مدیریت و برنامه ریزی آموزشی است که توزیع نامتوازن دانشگاه‌ها در حال حاضر نمود بارز این موضوع است. از سوی دیگر هدفمند کردن فعالیتهای معطوف به آموزش، مدیریت منابع به ویژه زمین و تجهیزات مکانی، افزایش اثربخشی و کارایی استفاده از فضا از جمله مزایای استفاده از آمایش سرزمین در نظام مدیریت و برنامه ریزی آموزشی است.

**کلمات کلیدی:** چالش، آمایش سرزمین، مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی.

## مقدمه

امروزه یکی از شاخص‌ها و معیارهای توسعه یافتگی، میزان انطباق برنامه‌های اجرایی هر کشور با مبانی و مطالعات جامع آمایش سرزمین می‌باشد (نویدبخش و بختیاری فایندری، ۱۳۹۵، صص ۳۹-۴۰). آمایش سرزمین یک رشته علمی، روش اجرایی و یک سیاست توسعه یافته در قالب رویکرد میان رشته‌ای و جامع در جهت توسعه منطقه‌ای متعادل و سازمان‌های فیزیکی است که می‌تواند یک راهبرد کلی به سیاستمداران و برنامه‌ریزان راهبردی ارائه نماید [۱]. آمایش سرزمین به طور فزاینده‌ای برای برنامه‌ریزی مبتنی بر تحولات محیطی با پیچیده‌تر شدن محیط مورد استقبال قرار گرفته است [۲]. آمایش سرزمین در افزایش مقاومت‌سازی شهری [۳]، سیاست آمایش مبتنی بر تغییر آب و هوا [۴]، گردشگری و برندسازی شهری [۵] و مقاومت‌سازی محیطی استفاده می‌شود [۲].

آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی بلند مدت برای توزیع بهتر جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در زمینه منابع طبیعی به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه است [۶]. اما برنامه‌ریزی فرآیندی منظم، مداوم، حساب شده، منطقی، جهت‌دار و دور نگر به منظور هدایت و ارشاد فعالیت‌های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب آمایش سرزمین است [۷].

برای درک رابطه آمایش سرزمین با برنامه‌ریزی آموزشی لازم است برنامه‌ریزی آموزشی تحلیل شود. برنامه‌ریزی آموزشی از حساس‌ترین و دقیق‌ترین انواع برنامه‌ریزی محسوب می‌شود زیرا از یک سو برای انجام آن باید عوامل فراوانی را در نظر گرفت و زوایای گوناگون را ارزیابی کرد و از سوی دیگر برای ارزیابی نتایج آن و قضاوت درباره آن باید چند سالی به انتظار نشست. این خصلت‌ها اقتضاء می‌کند برنامه‌ریزی آموزشی با دقت، احتیاط و وسواس خاصی انجام گیرد [۸]. برای پاسخ‌گویی معقول به نیازهای سازمان در همه ابعاد و مقابله منطقی با تغییر و تحولات فنی و اجتماعی محیط بیرون سازمان نیاز به مکانیسمی می‌باشد که دائماً در این راستا فعالیت نماید که فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی به طور اساسی و زیربنایی این مهم را انجام می‌دهد [۹]. فلیپ کومبز<sup>۱</sup> در تعریف برنامه‌ریزی آموزشی می‌نویسد: برنامه‌ریزی آموزشی به معنای وسیع آن عبارت است از کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به منظور کارایی و تأثیر آن در رفع نیازهای دانش‌آموزان، دانشجویان و جامعه. بنا به تعریفی دیگر برنامه‌ریزی آموزشی عبارت است از تعیین اهداف آموزشی و پیش‌بینی عملیات و فعالیت‌های آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزشی از قبل تعیین شده با توجه به امکانات و محدودیت‌های آموزشی و همچنین نظام ارزشی جامعه [۱۰]. به طور کلی برنامه‌ریزی آموزشی اتخاذ تدابیری است برای انجام امور آموزشی که بیشتر متوجه سیستم‌های آموزشی است اما آمایش سرزمین متوجه برنامه‌ریزی فضا و جغرافیای منابع طبیعی، منابع انسانی و منابع مالی یعنی سیستم‌های بازتر و گسترده‌تر از نظام آموزشی می‌باشد [۱۱]. بنابراین آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی آموزشی با توجه به حیطة فعالیتشان می‌توانند نقش مهمی در به فعلیت رساندن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های منابع مختلف ایفا کنند.

آمایش سرزمین از اواخر ۱۹۵۰ تکامل یافت و بسیاری از کشورهای اروپایی در قالب برنامه‌هایی همچون توسعه چشم‌انداز اروپایی (۱۹۹۹) ملزم به برنامه‌ریزی بر اساس آمایش سرزمین شدند [۱۲]. کلودبوس<sup>۲</sup> (۱۹۵۰) نخستین تعریف از آمایش سرزمین را مطرح کرده است. او این تعریف را در مورد بستر جغرافیایی فرانسه بکار برده است. در تعریف وی چنین آمده: «آمایش سرزمین در جست و جوی بهترین توزیع انسان‌ها، به تبع منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی در پهنه سرزمین است. این جست و جو با یک دغدغه ثابت، مبتنی بر فراهم کردن بهترین شرایط سکونت، کار، بهداشت، تفریحات سالم و لذت از زندگی فرهنگی سالم محقق می‌گردد. هدف اصلی صرفاً یک اقتصاد شکوفا نیست، بلکه بیشتر به دنبال زندگی خوب و شکوفایی است» [۱۳]. برخی از متفکران آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلند مدت برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند [۱۴]. و به نظر برخی دیگر، موضوع اصلی آمایش سرزمین «مدیریت کشور» است [۱۵]. البته در نظام آمایش سرزمین کشور ایران، آمایش سرزمین عبارت از تنظیم کشش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی به منظور ایجاد سازمان مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعدادهای انسانی و محیطی است [۱۱].

با این حال، در طی زمان و برحسب رویکردهای مختلف، تعاریف گوناگونی از آمایش سرزمین شده است. رویکردهای متعارف، آمایش سرزمین را مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌ها و عملیات هماهنگ و منسجم می‌دانند که به منظور سازمان‌دهی و نظم بخشیدن به فضاها و مکان‌های زیستی و جغرافیایی (طبیعی و غیر طبیعی) به کار گرفته می‌شود تا رابطه انسان، فضا و فعالیت‌ها به صورت متوازن و متعادل با درک در نظر گرفتن مساوات و تمامی ملاحظات و اقتضات طبیعی، فضایی، مکانی، جغرافیایی، انسانی، زیست محیطی، اقتصادی و راهبردی تنظیم شود [۱۳]. امروزه، آمایش سرزمین مجموعه‌ای از

<sup>1</sup> - Philip Coombs

<sup>2</sup> - Kelodious

دانش‌های جدید است که به طرز هماهنگ و تلفیق یافته عمل می‌کند و به مرور زمان خاص تر و تخصصی تر به آن نگریده می‌شود و کارشناسان رشته های مختلف علوم اجتماعی و مهندسی و جغرافیا با مشارکت گروهی و گفت و شنود منطقی می‌توانند در محدود مسائل آمایش سرزمین مطالعه و برنامه‌ریزی کنند [۱۶].

آمایش سرزمین در ایران برای تنظیم ارتباط بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا انجام می‌شود و لذا تأکید خاصی بر دیدگاه فضایی در برنامه‌ریزی توسعه و تکامل ملی دارد [۱۷]. برنامه‌ریزی فضایی، مجموعه مفاهیم، دیدگاه‌ها و روش‌هایی است که در جهت ایجاد سازمان و ساختار فضایی مطلوب و دلخواه مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی فضایی در واقع نام دیگری برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای است با این تفاوت که مفهوم فضا کلی تر از مفهوم منطقه است و مرزهای منطقه را قطع می‌کند. این فرآیند مداوم است و به صورت عمودی و افقی نمایان می‌شود و در سطوح گوناگون به کار می‌رود. اهداف برنامه‌ریزی فضایی از اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای جدا نیست و می‌تواند دور نمای کاملی از سازمان موجود، فعالیت‌ها، قطب‌ها، محورهای توسعه، چگونگی استقرار جمعیت، نحوه ارتباط شهری و روستایی و ... را ارائه نماید [۱۷]. با وجود تفاوت در دامنه عملکرد برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف می‌توان مشاهده کرد که برنامه‌ریزی فضایی با شناسایی اهداف طولانی مدت یا میان مدت، به نحوه کاربرد و استفاده از زمین و توسعه فیزیکی به عنوان یک بخش مجزا از فعالیت دولت و در هماهنگی با سیاست‌های بخشی در حوزه حمل و نقل، کشاورزی و محیط زیست و ... مرتبط است [۱].

فضا هم به فضای حقیقی در ابعاد جغرافیایی و هم به فضای مجازی اطلاق می‌شود، عملکرد اقتصادی در فضای مجازی صورت می‌گیرد و برنامه‌ریزی اقتصادی و مشتقات آن نیز مانند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای ضرورت می‌یابد [۱۸]. در این دیدگاه، رسیدن به بهترین شکل توزیع منابع نیازمند برنامه‌ریزی مربوط به فضا است چرا که توسعه اقتصادی و اجتماعی به تنهایی پیامدهای نامطلوبی به ویژه در نبود تعادل‌های منطقه‌ای به همراه خواهد داشت. در واقع می‌توان برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکرد آمایش سرزمین را ایجاد نوعی هماهنگی میان تقابل‌های دوگانه دانست. همان‌گونه که میسرا در مقاله «برداشتی نو از مسائل توسعه» مطرح می‌کند در هر برنامه‌ریزی توسعه باید هفت انتخاب راهبردی انجام شود: رشد در برابر توزیع، توسعه صنعتی در برابر توسعه کشاورزی، توسعه شهری در برابر توسعه روستایی، فناوری‌های سرمایه بر در برابر فناوری‌های کاربر، تمرکز در برابر نبود تمرکز، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در برابر برنامه‌ریزی‌های فیزیکی و مدرن شدگی در برابر سنت. میسرا با مطرح کردن بحث انتخاب در هر یک از حوزه‌های هفت گانه مسائل را در دو قطب در نظر می‌گیرد و بیان می‌کند که توجه و به کارگیری ترکیب خردمندان‌های از هر دو قطب، در هر یک از موارد راهبردی ضرورت دارد [۱۹].

بنابراین می‌توان برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین را رویکردی به سوی آینده دانست که به اثربخشی اقدام‌های زمان حال در شکل‌دهی به پتانسیل‌های آینده توجه دارد. در این رویکرد، بر پایداری و تداوم محیط زیست، تعامل و وابستگی متقابل میان پدیده‌ها در بستر زمان و فضا و توجه به سیاست‌گذاری‌های کلان که غالباً متعامل اند تأکید می‌شود [۲۰]. با توجه به مطالب ذکر شده این گونه استنباط می‌شود که به رغم تعاریف گوناگون از آمایش سرزمین در زمینه‌های مختلف، هسته ثابتی در تعریف مفهومی آن مشاهده می‌شود که همانا تنظیم، توزیع و مدیریت منابع در ابعاد مختلف در کلیت سرزمین‌ها یا سازمان‌دهی به فضای انسانی، طبیعی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای است.

به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین، ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان مقوله «مدیریت» مطرح است و در رابطه با فضا بحث «اقلیم» مطرح است و در رابطه با فعالیت مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی» برجسته می‌شود، یعنی مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه شناسی است [۶]. این واژه کلمه نوین فارسی است که از ریشه فعل «آمدن» و «آمدن» به معنی آراستن، آمیختن، به رشته در آوردن و آماده کردن است که از واژه Amenager در زبان فرانسه اقتباس شده است. آمایش سرزمین ترجمه اصطلاحی Amenagement du territoire از زبان فرانسه است [۲۱]. و همان‌گونه که از واژه کاوی این اصطلاح پیداست، در دل خود دو مبحث مهم برنامه‌ریزی و مدیریت را دارا می‌باشد. بخش مهمی از مقوله آمایش سرزمین موضوع مدیریت داشته‌است. به عبارت ساده‌تر، انسان باید آن استفاده‌ای را از سرزمین به عمل آورد که ویژگی‌های محیطی، انسانی و طبیعی سرزمینی بالقوه را در نهان خود دارا می‌باشد و سپس این ویژگی‌ها را بر اساس نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود مدیریت کند. به زعم برخی از صاحب‌نظران آمایش سرزمین بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه حل مدیرتی و برنامه‌ریزی محیط زیست، مؤلفه‌های اقتصادی و رفاه اجتماعی است [۲۲]. از طرفی، نخستین عامل در روند مطالعات برای برنامه‌ریزی به ویژه در سطح منطقه، عامل زمین می‌باشد، زیرا زمین یا سرزمین با خود مفهوم و معنای منطقه را داراست و اصلی‌ترین و اساسی‌ترین جزء ساختمان منطقه به شمار می‌آید. سرزمین، مهد کلیه فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی بشری است [۲۳]. در حقیقت این زمین است که در آن جمعیت پخش می‌شود، کشاورزی جان می‌گیرد، صنعت بر پا می‌شود و تمام کنش‌ها و واکنش‌های زیستی و اجتماعی بشری بر روی آن شکل می‌گیرد. پس ایجاد یک

تعادل منطقی و نسبی بین زمین و نحوه استفاده از آن با فعالیتهای و عملکردهای انسانها بر روی آن لازم و ضروری می‌شود. به دنبال این عقیده مدیریت و سیستم آمایش سرزمین به وجود می‌آید و لزوم گستردگی عادلانه فضایی و مکان‌یابی مناسب برای فعالیت و عملکردهای بشری شکل ضرورت به خود می‌گیرد [۱۵].

هدف آمایش سرزمین توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است؛ به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیتش از طیف مناسبی از فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود را بپذیرد [۲۴]. بر این اساس هدفمند کردن و یکپارچه سازی فعالیتهای معطوف به آموزش، مدیریت منابع به ویژه زمین و تجهیزات مکانی و افزایش اثربخشی و کارایی استفاده از فضا در نظام آموزشی از جمله نتایج استفاده از آمایش سرزمین است. (خوشنویسان و ساعدی، ۱۳۹۵، ص ۱). در واقع مفروض بنیادی آمایش سرزمین این است که در جامعه امور در جای خود قرار ندارند. بنابراین با برنامه‌ریزی یا به اصطلاح چیدمان در گستره ملی و استانی باید به این ناهماهنگی پایان داد [۲۵]. با این برداشت، آمایش سرزمین زیر بنای سازمان‌دهی توسعه منطقه‌ای است و به بیانی دیگر، ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری منطقه‌ای و ملی است [۲۴].

یکی از کارکردهای آمایش سرزمین افزایش امکان برنامه‌ریزی با استفاده از ظرفیت متغیرهای استراتژیک از طریق گسترش اطلاعات هماهنگ و پاسخگویی بهتر به فرآیندهای تحولی است [۲۶]. به همین منظور در برنامه‌ریزی‌های سطح کلان توجه به آمایش سرزمین یک موضوع راهبردی خواهد بود [۲۷]. آمایش سرزمین همچنین عدم قطعیت ناشی از منابع جغرافیایی را کاهش می‌دهد [۲۸]. بر این اساس صاحب‌نظران معتقدند برنامه‌ریزی‌ها امروزه بدون در نظر گرفتن آمایش سرزمین با موفقیت همراه نیست [۲۹].

در واقع، بخش مهمی از مفهوم آمایش سرزمین به موضوع مدیریت «داشته‌ها» و استفاده از ویژگی‌های محیطی، انسانی و طبیعی سرزمین - که به طور بالقوه در آن نهان است - براساس نیازهای اقتصادی و اجتماعی اختصاص دارد [۱۵].

کشور ایران دارای بیش از ۶ دهه سابقه رسمی برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزی در خلال این مدت به تبعیت از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همواره با تغییرات و دگرگونی‌های همراه بوده و فراز و نشیب‌های بسیار زیادی را متحمل شده است. در مجموع سیر تحولات برنامه‌ریزی در ایران به طور عام و آمایش سرزمین به طور خاص در دو مقطع قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

آغاز برنامه‌ریزی در ایران به سال ۱۳۲۷ باز می‌گردد، اما قبل از تاریخ مذکور نیز برای توسعه کشور در قالب برنامه‌های عمرانی تلاش‌هایی شده بود که بنا به دلایلی ناموفق بوده‌اند. برنامه هفت ساله اول کشور در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ آغاز شد اما در میانه راه و پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ متوقف شد. پس از آن برنامه هفت ساله دوم در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. مهمترین اهداف برنامه هفت ساله دوم افزایش تولید و بهبود توسعه صادرات، تهیه نیازهای ضروری مردم، توسعه صنایع، کشاورزی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع زیر زمینی و اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی و بهبود بهداشت عمومی اعلام شده بود. برنامه سوم بر اساس بازنگری برنامه دوم در سال ۱۳۴۲ تهیه شد. از ویژگی‌های این برنامه، اهداف مشخص، جامعیت برنامه در پیش‌بینی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی و هماهنگی سیاست‌های مختلف مملکتی با سیاست‌های عمرانی بود [۳۰]. برنامه عمرانی چهارم در سال ۱۳۴۷ اجرا شد. در این برنامه بر خلاف برنامه‌های قبل تحولی در نظام برنامه‌ریزی صورت گرفت. به طوری که دو فرآیند از بالا به پایین با عنوان (برنامه کلان) و از پایین به بالا (بخش) در نظام برنامه‌ریزی دخالت داده شد که در نهایت این دو بخش با یکدیگر همساز می‌شدند. برنامه عمرانی پنجم در سال ۱۳۵۲ تدوین شد. مقارن با تدوین این برنامه، نام سازمان برنامه به «سازمان برنامه و بودجه» تغییر یافت و امور پرداخت بودجه از وزارت دارایی به سازمان برنامه منتقل شد. از مهمترین اهداف کلی برنامه پنجم قبل از انقلاب ارتقای سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمدها، حفظ و استمرار رشد سریع اقتصادی، تأمین اشتغال مولد، برقراری تعادل بیشترین مناطق مختلف کشور از نظر بهره‌مندی از امکانات اقتصادی، حفاظت و احیا و بهبود محیط زیست و افزایش سهم ایران در تجارت بین‌المللی بود [۳۱]. سابقه آمایش سرزمین در ایران، در قالب خاص آن به اواخر سال ۱۳۴۵ بر می‌گردد یعنی زمانی که در مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران مسئله «افزایش جمعیت تهران و نکاتی پیرامون سیاست عمرانی کشور» مطرح شد. پس از آن، مرکز آمایش سرزمین در ۱۳۵۳ تأسیس شد و در پی آن قراردادی میان سازمان برنامه و بودجه و مهندسان مشاور ستیران منعقد شد و سپس در اردیبهشت ۱۳۵۶ برنامه‌های مطالعاتی با عنوان «مطالعات دور دوم استراتژی آمایش سرزمین» در چهار بخش شهری، روستایی، محور آذربایجان - خوزستان و تمرکززدایی آغاز شد (توفیق، ۱۳۸۴). این برنامه در سال ۱۳۵۶ تهیه شد و قرار بود از آغاز سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۶۱ اجرا شود اما به علت شرایط خاص کشور به تصویب مجلس نرسید و با پیروزی انقلاب اسلامی به اجرا در نیامد [۳۲]. با پیروزی انقلاب اسلامی عملاً کشور به علت مسائل شکل‌گیری انقلاب، فرار سرمایه، مهاجرت

نیروی انسانی، ملی کردن بسیاری از صنایع و بانک‌ها و در پی آن بروز جنگ هشت ساله فاقد برنامه مشخص بود. پس از سال ۱۳۶۱ که کشور به ثبات سیاسی رسید نخستین تلاش سازمان «برنامه و بودجه» برای تهیه برنامه توسعه آغاز شد. نخستین برنامه عمرانی با عنوان برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ به تصویب هشت دولت وقت رسید و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این برنامه به علل مختلف مانند درگیری کشور در جنگ تحمیلی و وضعیت ویژه کشور به تصویب مجلس نرسید و در نهایت با تجدیدنظر با عنوان برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ از طرف دولت به مجلس ارائه شد و به تصویب رسید و بعد اجرایی یافت [۳۳]. در خلال سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ موضوع آمایش سرزمین در قالب تفکر نوین و متناسب با ارزش‌های انقلاب اسلامی مطرح شد. بر این اساس از سال ۱۳۶۱ و به منظور بنیان نهادن تفکری کلان در زمینه سازمان دهی فضایی برنامه‌های توسعه کشور، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه تلاشی‌هایی را آغاز کرد و با توجه به این‌که در همان زمان به علت اتخاذ سیاست‌های قطب‌های رشد در گذشته، پهنه کشور فاقد تعادل بود تفکر توازن و تعادل بخشی بر پهنه کشور تقویت شد و کارگزاران مقوله آمایش سرزمین را با استقبال بیشتری تأیید کردند [۳۴]. دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۳ نخستین نتایج مطالعات را در دو کتاب با عنوان طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران منتشر کرد. همچنین مطالعات توسعه محور شرق در سال ۱۳۶۵ انجام شد [۳۵]. پس از بررسی گزارش نهایی توسط دستگاه‌های اجرایی ذیربط، «استراتژی‌های کلی دراز مدت آمایش سرزمین» که از جمع‌بندی تمام مطالعات آمایش حاصل شده بود در چندین جلسه شورای اقتصاد مطرح و با اصلاحاتی در تاریخ ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۵ به تصویب رسید و به همه دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شد [۳۴]. پس از ابلاغ استراتژی‌های کلی درازمدت، مرحله دوم آمایش سرزمین آغاز شد و نتایج مطالعات در ۲۴ جلد با عنوان چارچوب نظریه پایه توسعه استان، برای هر یک از ۲۴ استان کشور در سال ۱۳۶۸ تهیه شد. هر یک از این گزارش‌ها حاوی استراتژی‌های بلند مدت توسعه استان در بخش‌های مختلف از دیدگاه آمایش سرزمین و نقش آن در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای بود. مقارن با این اقدام، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای خطوط کلی «استراتژی سازمان‌دهی فضا» را تدوین کرد و در قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) لحاظ شد اما به علت ابهام در جایگاه تشکیلاتی آمایش سرزمین مطالعات با رکود مواجه شد و جایگاه این مطالعات در تداخل با وظایف وزارت مسکن و شهرسازی اعلام شد [۱۷]. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۷-۱۳۷۳) در شرایطی متفاوت از برنامه اول توسعه به اجرا درآمد. در این مقطع زمانی (از اواخر برنامه دوم توسعه) موضوع آمایش سرزمین که در اوایل دهه ۱۳۷۰ تا حدی در حاشیه قرار گرفته بود با اقبال بیشتری مواجه شد. برنامه سوم توسعه مربوط به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ است. طی این بازه زمانی مطالعات بسیاری در حوزه‌های مختلف آغاز شد و همزمان با همین برنامه در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۸۰ بود که قانون اجرای اصل ۴۸ قانون اساسی که دولت را مکلف به طرح آمایش سرزمین کرد، تصویب شد [۳۵]. بر خلاف مطالعات گذشته، مطالعات در برنامه سوم توسعه با تفاوت‌های محسوسی به نسبت گذشته آغاز شد. اول این‌که این مطالعات زیر نظر معاونت اقتصادی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه وقت آغاز شد و این امر باعث ادغام بیشتر ملاحظات اقتصادی در توسعه فضایی شد. دوم این‌که این مطالعات با تعامل و هماهنگی بیشتری با وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شد تا دو رویکرد آمایشی و کالبدی بتوانند با یکدیگر در راستای تحقق اهداف کلان آمایش گام بردارند. از دیگر تفاوت‌های تجربه سوم آمایش با گذشته، تحولات عمیق اقتصادی و سیاسی در داخل و خارج کشور بود. در تجربه دوم آمایش سرزمین (۱۳۶۲) رویکرد توسعه در جهان دو قطبی اتفاق می‌افتاد در حالی که در این مرحله نظامی جدید با رویکردهایی متفاوت در جهان حاکم شد که بارزترین این تحولات در حوزه‌های خارجی موضوع جهانی شدن و رشد شگفت‌انگیز فناوری‌های مختلف به ویژه در حوزه‌های اطلاعاتی، صنعت، گردشگری و ... بود که بی‌شک نگاه به توسعه به مفهوم عام و آمایش سرزمین به مفهوم خاص را متفاوت‌تر از گذشته کرد. نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم به صورت جامع‌تر و با مشارکت همه دستگاه‌ها تدوین شد. در این برنامه، همه جنبه‌های آمایشی و ملاحظات زیست محیطی به نحو بارزتری در فرآیند برنامه‌ریزی دخالت داده شد. از جلسات کارشناسی متعدد در برنامه سوم توسعه در نهایت چکیده مطالعات و نشست‌های کارشناسی در دو جلد با عنوان لایحه سند برنامه منتشر شد. اسناد فرابخشی در جلد اول و اسناد بخشی در جلد دوم منتشر شد. در فصل شانزدهم جلد دوم نیز به موضوع آمایش سرزمین پرداخته شد. در این فصل، اصول و راهبردهای آمایش سرزمین پس از بر شمردن عوامل اصلی شکل‌گیری سازمان فضایی، تشریح وضع موجود، توزیع فعالیت‌ها در پهنه سرزمین و مرور ویژگی‌های ساختار سازمان فضایی کشور بررسی شد و رهنمودهای مطرح شده برای آمایش سرزمین و رهنمودهای کلی مصوبات هیئت وزیران و ستاد برنامه منتشر شد [۳۴]. اتفاقات مهمی که در دوره برنامه سوم رخ داد نخست ادغام سازمان امور اداری و استخدامی کشور در سازمان برنامه و بودجه و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بود که توان کارشناسی سازمان، اختیارات تعیین و تدوین ساختار اداری کشور و تشکیلات دستگاه‌ها را در کنار تدوین توصیف و تحلیل پیوندها، ملاحظات دفاعی-امنیتی،



پیش‌بینی و آینده‌نگری، مدیریت آمایش، اطلاعات جغرافیایی و تلفیق و جمع‌بندی را افزایش داد. پس از تدوین این شرح خدمات، در آغاز مطالعات آمایش سرزمین در استان‌ها، کتابچه راهنمای مطالعات برنامه آمایش در شهریور ۱۳۸۵ تهیه و برای همه استان‌ها ارسال شد [۱۷]. هم‌زمان با تحولات ذکر شده و مکلف شدن دولت به اجرای آمایش سرزمین، کمیسیون زیر بنایی و تولیدی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز استفاده از آرای کارشناسان و متخصصان سیاست‌های کلی آمایش سرزمین را در هشت محور به شرح زیر تصویب کرد:

- ۱- استفاده مؤثر از موقعیت متماز جغرافیایی برای کسب جایگاه شایسته منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ۲- توسعه منابع انسانی به منزله رکن اصلی آمایش سرزمین؛
- ۳- توجه به یکپارچگی ملی و تقویت هویت ایرانی- اسلامی مدیریت سرزمین؛
- ۴- ارتقاء کارآیی و بازدهی اقتصادی و تسهیل روابط درونی و بیرونی کشور؛
- ۵- دستیابی به تعادل منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های هر منطقه؛
- ۶- سازمان دهی فضایی مناسب مراکز زیست و فعالیت با تأکید بر مشارکت مؤثر مردم؛
- ۷- رعایت ملاحظات امنیتی و دفاعی در استقرار جمعیت و فعالیت در سرزمین؛
- ۸- توجه به حفظ و احیا و بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌ها، منابع طبیعی تجدید شونده و حفظ محیط زیست در طرح‌های توسعه. برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) با دو سال تأخیر در شرایطی نوشته شد که سازمان برنامه‌ریزی کشور مضمحل شده و ساختار بخشی آن از میان رفته بود. همچنین به نظر می‌رسد دولت نیز عزمی برای اجرای برنامه نداشته است. معمولاً در تدوین هر برنامه، نخست وضعیت در سال پایه مشخص می‌شود و برنامه قبلی آسیب‌شناسی شده تا از بروز انحراف در برنامه آتی اجتناب شود اما برنامه پنجم توسعه در حالی نوشته شد که عملکرد برنامه قبلی مشخص نشده بود [۳۶]. با وجود این شورای عالی تدوین برنامه بر اساس اهداف آرمانی ذکر شده در سند چشم‌انداز که با توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران و محورهای مورد تأکید ریاست جمهور ترسیم شده بود، نخست مأموریت اصلی برنامه را «پیشرفت عدالت محور» تعیین کرد. از مهمترین اصول حاکم بر سازمان‌دهی تدوین برنامه پنجم در نظر گرفتن الگوهای اسلامی- ایرانی و استفاده حداکثری از توان کارشناسی کشور بود. در این برنامه موارد زیر به مثابه رویکردهای اصلی بیان شده است:
- ۱- تداوم خط نورانی حضرت امام راحل (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری؛
- ۲- استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به استقلال همه جانبه، قسط و عدالت و همبستگی ملی؛
- ۳- اصالت و کارآمدی فرهنگ اصیل اسلامی- ایرانی و ضرورت قوام و دوام و گسترش هر چه بیشتر آن؛
- ۴- حرکت سریع و هماهنگ به سمت افق چشم‌انداز ۱۴۰۴؛
- ۵- تقویت همبستگی ملی و دلبستگی به سرزمین و بهره‌برداری از همه استعدادها و توانمندی‌های سازندگی در کشور؛
- ۶- تحقق عدالت در همه ابعاد، از جمله فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی و عمران و آبادانی هماهنگ تمامی نقاط کشور؛
- ۷- عزت و سرافرازی ملت ایران در دنیا و پیگیری مسئولیت‌های جهانی انقلاب اسلامی؛
- ۸- تحول سازمانی بر اساس قانون اساسی و اصلاح روندهای اجرایی با هدف کاهش اتلاف منابع و تسریع در تصمیم‌گیری و اجرا؛
- ۹- اعتقاد به اینکه کشور را باید مردم اداره کنند، انتقال فرصت‌های کار و تلاش و مدیریت به مردم، اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش مؤثر مسئولیت‌های دولت در امور تصدی‌گری با هدف کوچک‌سازی واقعی دولت.
- ۱۰- پیشرفت علمی و فنی کشور در همه ابعاد و فراهم کردن فرصت رشد و تعالی مادی و معنوی برای همه به ویژه جوانان؛
- ۱۱- اعتلای کرامت انسانی و رفع کامل نیازهای ضروری جوانان از جمله اشتغال، مسکن، ازدواج و رفع دغدغه عمومی در این موارد و تأمین حداقل‌ها برای همکاران [۳۷].

در هر یک از برنامه‌های توسعه، اهداف و رویکردهای اعلام شده که در صورت تحقق می‌توانست به ایجاد توسعه‌ای متوازن در کشور بینجامد در عمل به گونه‌ای دیگر بوده است؛ اهداف و برنامه‌ها در روی کاغذ باقی ماندند و در عمل به صورت کامل و مناسب به اجرا در نیامدند. این اجرایی نشدن برنامه‌های توسعه به علت پاره‌ای از مسائل و مشکلات ساختاری و اداری در کشور بوده است و تا زمانی که این موانع رفع نشوند، هر برنامه کامل دیگری هم نگارش شود به سرنوشت باقی برنامه‌های توسعه دچار خواهد شد [۳۸].

با توجه به تعاریف ارائه شده از آمایش سرزمین می‌توان موارد زیر را در خصوص ضرورت برنامه‌ریزی آمایش سرزمین ذکر کرد:

- ۱- شناخت سرزمین و حداکثر استفاده از توانایی‌های بالقوه مناطق در مورد منابع طبیعی و انسانی در جهت تحقق اهداف ملی؛
- ۲- توزیع بهتر جمعیت برای منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی به منظور افزایش رفاه و توسعه؛

۳- تقسیم وظایف تخصصی و تعیین نقش و مسئولیت خاص هر یک از مناطق کشور در جهت تحقق اهداف توسعه ملی و منطقه‌ای و در نتیجه جلب مشارکت کلی مناطق مختلف برای تحقق اهداف؛

۴- مختص کردن مناطق در بعضی از فعالیت‌ها یا صنایع و شکل دادن به مجموعه‌ای از مناطق دارای کارکردهای مکمل در جهت تأمین اهداف کلی کشور؛

۵- تنظیم استراتژی درازمدت توسعه ملی از ابعاد مختلف به ویژه استراتژی‌های توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در گستره سرزمین؛

۶- برقراری هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای؛

۷- برقراری هماهنگی بلندمدت در برنامه‌های میان مدت بخشی، ایجاد امکان برای تنظیم برنامه‌های بخشی-منطقه‌ای و ایجاد پیوستگی و ارتباط منطقی بین طرح‌های عمرانی؛

۸- لزوم توجه به محیط زیست و ضرورت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی [۶].

با نگاهی به تجربه‌های بسیاری از کشورهای پیشرو در برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین می‌توان به وجوه اشتراکی مانند داشتن قواعد، مسئولیت‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای تعیین شده برای اجرا دست یافت اما تقریباً بسیاری از همین کشورهای پیشرو چه در گذشته و چه در زمان حال در برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین با چالش‌های جدی مواجه بوده و هستند [۳۹].

در بریتانیا مانند بسیاری از کشورهای دیگر، مشکلات مناطق شهری و کلان شهری و مشکلات مناطق صنعتی و حومه شهری مانع اصلی فرا روی برنامه‌ریزی منطقه‌ای بوده‌اند. مانع نخست ناشی از رشد جمعیت و مانع دوم ناشی از رکودهای اقتصادی بوده است. اما فرهنگ‌های متفاوت منطقه‌ای و هویت متمایز سیاسی هر منطقه مانعی دیگر بر سر برنامه‌ریزی آمایش در مقیاس ملی بود که باعث تشدید گرایش به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در این کشور شد [۴۰].

تمرکز سیاسی شدید در پاریس و به تبع آن، تمرکز اقتصادی و جمعیتی از موانع فرا روی اجرای آمایش سرزمین در فرانسه بوده است. برای غلبه بر این روند و طی نزدیک به چهار دهه، تلاش‌هایی جهت واگذاری اختیارات بیشتر به دولت‌های محلی و منطقه‌ای، کمون‌ها، سندیکاها، کمون و شوراهای عمومی و منطقه‌ای صورت گرفت [۴۰].

مشکل جدی فرا روی کشور آلمان در اجرای سیاست‌های تعادل منطقه‌ای، تفاوت بسیار آشکار سطح و مقیاس توسعه دو بخش غربی و شرقی آلمان قبل از اتحادشان بود که این مسئله در طول دهه ۹۰ و حتی دهه نخست قرن ۲۱ نیز پابرجا بود.

در کشور هلند، کمبود زمین و تهدید ازدحام جمعیت از موانع پیش روی آمایش سرزمین در این کشور بود [۴۱].

فقدان ارتباط منطقی بین دولت فدرال و دولت‌های ایالتی مانع اصلی برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین در آمریکا بود [۴۰].

آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی در قالب مفاهیم گوناگون آن چه پیش از انقلاب و چه پس از آن با هدف استفاده بهینه از سرزمین و بهره‌گیری از توان مناطق مختلف با اهداف گوناگون مدنظر برنامه‌ریزان بوده است. در حالی که این تقسیم کار بین مناطق با منابع بالقوه آن در «نظر» اتفاق افتاده است، اما در «عمل» چندان به آن توجه نشده است و بسیاری از منابع بالقوه بی استفاده باقی مانده است. این بی توجهی پیامدهایی را در پی داشته است از جمله آن می‌توان به توسعه نامتوازن و نامتعادل مناطق کشور یاد کرد که خود سبب تشدید نابرابری بین مناطق مختلف شده است. پاره‌ای از موانعی که سبب شده‌اند برنامه‌های آمایشی در کشور با مانع و چالش روبرو شوند عبارتند از:

۱- ساختار تک ساخت سیاسی:

ساختار سیاسی ایران یکی از موانع توزیع متوازن منابع بین مناطق مختلف کشور است. ناپایداری سیاسی و واگرایی قومی در دو دهه پایانی حکومت قاجاریه و رضاشاه که حاصل سرکوب جریان‌های قومی به بهانه حفاظت از تمامیت ارضی ایران بود باعث شکل‌گیری حکومت مدرن بر مبنای نظام سیاسی تک ساخت در ایران شد. شکل‌گیری نظام تک ساخت باعث ترویج دیدگاه‌های سیاسی امنیت محور، تمرکز گرا، پایتخت محور و قطب‌گرا شد که خود زمینه‌ساز توسعه نامتوازن فضایی و در نتیجه نابسامانی آرایش فضایی- مکانی شهرهای ایران گردید. در واقع پایتخت به منزله بخش هسته تمرکزگرا، قدرتمند، جریان‌ساز، الگوساز و جذب کننده سرمایه نخبگان و تسخیر کننده منابع ثروت سایر مناطق که پیرامون و نیمه پیرامون خوانده می‌شوند، شده است [۴۲]. این ساختار نامتوازن باعث شده که همواره سرمایه‌های اقتصادی و انسانی و ... از سمت مناطق پیرامونی کشور به سمت مراکز بزرگ و پایتخت در جریان باشد و باعث شکاف هر چه بیشتر این مناطق شود. این شکل از انتقال سبب از دست رفتن تعادل منطقه‌ای در کشور می‌شود.

۲- تقسیم‌بندی نامناسب سیاسی-اداری:

در تقسیم‌بندی‌های فعلی، کمتر به همگنی‌های طبیعی و انسانی مناطق توجه شده است. عوامل سیاسی در تعیین محدوده‌های تقسیمات کشوری نقش پررنگ‌تری دارند و مرزبندی تقسیمات کشوری تحت تأثیر جغرافیای قدرت و حمایت شکل گرفته است.

این امر سبب شده است که نظام کنونی تقسیمات کشوری با ویژگی‌ها و خصوصیات منطقه‌ای منطبق نباشد. بنابراین نظام موجود تقسیمات کشوری با الزامات توسعه‌ای منطقه‌ای سازگاری کامل ندارد. از طرف دیگر، سیستم حکومتی متمرکز باعث شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون شده است. در این الگو، تمرکز قدرت در یک نقطه و واگذار نکردن اختیارات به مناطق دیگر موجب فقدان شناخت صحیح و شکل‌گیری انتظارات نامتناسب با ظرفیت‌های طبیعی، بی‌عدالتی و نبود تعادل‌های فضایی در ابعاد گوناگون شده و در نهایت سبب تمرکز جمعیت و فعالیت در چند کلان‌شهر شده است [۴۳].

۳- فقدان تعریف مناسب از منطقه در کشور:

موضوع منطقه‌بندی جغرافیایی و چگونگی شکل و ترکیب این مناطق همواره دغدغه ذهنی برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی کشور بوده است. معمولاً از دو بعد برنامه‌ریزی و اجرا به منطقه‌بندی توجه می‌شود. این مقوله به ویژه در برنامه‌ریزی‌های سرزمینی و از جمله آمایش سرزمین اهمیت و نقش عینی‌تری می‌یابد. متأسفانه طی سال‌های گذشته دستگاه‌های دولتی بر اساس اهداف مختلف به منطقه‌بندی‌های متعددی دست زده‌اند و در هر یک از آن منطقه‌بندی‌ها اهداف خاصی را دنبال کرده‌اند. این موضوع مشکلات گوناگونی را فرا روی آمایش سرزمین قرار داده است [۱۷].

۴- بی‌توجهی به مسئله جمعیت و مهاجرت:

هدف آمایش سرزمین توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها و نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود را بپذیرد اما درباره جمعیت در برنامه‌های توسعه‌ای کشور دو مسئله نمود یافته است: از یک طرف ساختار تک‌سیاسی و از طرف دیگر تقسیم‌بندی نامناسب سیاسی-اداری در کشور و فقدان تعریف مناسب منطقه در کشور باعث شده است که با شکل‌گیری مرکز-پیرامون در کشور و حرکت سرمایه‌های اقتصادی و انسانی به سمت مراکز، شاهد مهاجرت گسترده روستائیان و شهرهای کوچک و پیرامونی به سمت پایتخت و مراکز اصلی باشیم. این امر خود سبب شده است که افزون بر اینکه توزیع بهینه جمعیت در کشور شکل نگیرد، توزیع تا حدودی متعادل پیشین نیز از دست برود و با تمرکز جمعیت در چند شهر بزرگ با کاهش جمعیت در روستاها و مناطق پیرامونی مواجه باشیم [۲۴]. مسئله دوم استقرار جمعیت در مناطق پیرامونی کشور است که چنانچه باید و شاید به آن توجه نشده است و حتی در نگهداشت جمعیت در مراکز سکونت گاهی پیشین و مناطق پیرامونی مانند روستاها نیز با چالش مواجه هستیم. گفتنی است در دهه‌های اخیر به موضوع جمعیت در برنامه‌های آمایش سرزمین و ضوابط آمایش سرزمین به خوبی توجه شده است اما این توجه در کنار توجه به سایر چالش‌ها معنی می‌یابد و گرنه انسان‌ها همواره راه خود را به سمت بهینه کردن شرایط زندگی، زیست و فرصت‌ها ادامه می‌دهند و از مناطق با شرایط اجتماعی-اقتصادی کمتر مطلوب به سمت مطلوب حرکت می‌کنند [۳۸].

۵- فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند:

با بررسی تاریخی کلی آمایش سرزمین در ایران چنین استنباط می‌شود که روند و سیری منطقی، زنجیره‌ای، یکپارچه و جامع در این طرح‌ها دیده نمی‌شود؛ هر دولتی که روی کار آمده است چندین برنامه را تدوین کرده که به علت نبود حمایت و پشتیبانی و تدارکات و فراهم کردن زیرساخت‌های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تأمین منابع لازم به موفقیت کمتری دست یافته است. در ایران به علت نبود جریان فکری صحیح و مراکز تحقیقاتی مناسب ناآگاهی مجریان در ایران از اصول و فنون آمایش سرزمین، نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه‌ها و آگاه نبودن وزرا و نمایندگان مجلس از اهمیت و فنون آمایش سرزمین استقبال چندانی از آمایش سرزمین نشده است و اغلب طرح‌ها و برنامه‌ها در مرحله مصوبه و نظری مانده و به اجرا در نیامده‌اند [۱۳].

۶- بی‌توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین به یک اندازه:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اجرای برنامه‌های عمرانی به صورت عام و آمایش سرزمین به صورت خاص به زعم کسب نتایج اقتصادی محدود در چند بخش پیشبرد اهداف توسعه همچنان با مشکلاتی روبرو بوده که بخشی از آن ناشی از برنامه‌ریزی توسعه با نگرش اقتصادی و بی‌توجهی به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای است [۲۰].

۷- فشارهای سیاسی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی و فنی:

یکی دیگر از مسائل و مشکلاتی که همیشه با اهداف و برنامه‌های آمایش سرزمین در کشور در تعارض بوده است، فشارهای سیاسی مقامات استانی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی و فنی و آمایشی است. فقدان طرح مصوب آمایش سرزمین به منزله سندی فرا دست باعث شده است که مقامات سیاسی در سال‌های اخیر فشارهای بسیاری برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها به ویژه طرح و پروژه‌های زیر بنایی وارد کنند این فشارها در پاره‌ای موارد منجر به اجرای طرح‌هایی می‌شود که در آن منطقه مورد نظر توجیه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی ندارد و باعث هدر رفت منابع ملی و همچنین به هم خوردن تعادل‌های زیست محیطی و ... می‌شود [۱۷].



## ۸- فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در ایران:

بررسی اسناد و مدارک مرتبط با آمایش سرزمین در دهه‌های گذشته حاکی از آن است که هنوز مدل مناسبی برای آمایش سرزمین در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر هنوز مفروضات مناسبی برای مکان‌یابی فعالیت‌های عمرانی تدوین نشده است [۱۷]. آمایش سرزمین ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد و داشتن الگو یا مدلی مناسب به ارزیابی بهتر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ابعاد مختلف مناطق متعدد سرزمین کمک می‌کند. بنابراین یکی از چالش‌های اساسی آمایش سرزمین در ایران، مشخص نبودن راهبرد کلی توسعه در کشور است. اگر راهبرد کلی توسعه سرزمینی مشخص باشد می‌توان بر اساس آن و با رجوع به مناطق، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و محدودیت‌های هر منطقه مشخص و با در نظر گرفتن آنها برای رسیدن به راهبرد مدنظر، برنامه‌ریزی کرد [۳۸].

**نتیجه‌گیری**

برنامه آمایش سرزمین مبنای سیاستگذاری و اجرایی هر کشور می‌باشد که می‌تواند از مزیت‌ها، فرصت‌ها و استعدادها هر سرزمین به گونه‌ای استفاده کند که محدودیت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها، کمترین زمینه تأثیرگذاری و میدان مانور را داشته باشند. از مهمترین ویژگی‌ها و ملزومات برنامه آمایش سرزمین، جامع و یکپارچه‌نگری، پویا و دینامیک بودن برنامه، زمانمند بودن، عادلانه بودن فرآیندها، ایمن و زیست محیطی بودن، نظام‌مند و سلسله‌مراتبی بودن برنامه به لحاظ سطح، موضوع و پدیده‌ها و بالأخره متوازن بودن همه ارکان و ابعاد برنامه می‌باشد به گونه‌ای که براساس مبانی نورانی و حیات‌بخش دین مبین اسلام، وحدت عالم طبیعت با عالم وجود تحقق و عینیت یابد.

مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران با هدف مشخص کردن اصلی‌ترین مقولات توسعه و به دست دادن چارچوبی برای تعیین نقش و وظیفه هر منطقه در سرزمین ایران و همچنین تعیین و تشریح استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای و نتیجه‌گیری مشخص‌تر نسبت به نقش و عملکرد هر منطقه در دو مرحله انجام شده است. اما هدف نهایی برای آمایش سرزمین، ملی کردن برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و تهیه برنامه جامع توسعه ملی بر اساس برنامه‌های توسعه منطقه‌ای ذکر شده است.

روند شتابان رشد جمعیت به ویژه در دهه ۵۰ و ۶۰ هجری شمسی، دولتمردان و برنامه‌ریزان کشور را در مقابل انبوهی از نیازهای اساسی، خدماتی و زیربنایی قرار داد که به تبع آن سیاست‌ها و برنامه‌های متعددی در قالب طرح‌های عمرانی در کشور برای پاسخ‌گویی به این نیازها به اجرا درآمد که بازخوردهای آن به صورت فعالیت‌ها و سکونت‌گاه‌های متعدد در پهنه سرزمین نمایان شده است. به این ترتیب چشم‌اندازهای توسعه کشور تحت تأثیر این تحولات کمی و کیفی دگرگونی‌های عمیقی را تجربه کرده و جغرافیایی را متفاوت‌تر از گذشته در کشور رقم زده است که تحلیل آنها در برنامه‌ریزی‌های آمایشی بسیار حائز اهمیت است.

بررسی ساختار فضایی کشور حکایت از آن دارد که هر چند موضوع بهره‌برداری بهینه از سرزمین، استفاده از قابلیت‌های مناطق مختلف کشور در چارچوب تقسیم‌کار ملی و تمرکز زدایی از مناطق پر تراکم کشور در قالب برنامه‌ریزی آمایش سرزمین همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان کشور بوده است اما این برنامه‌ها نتوانسته در چارچوب برنامه‌های میان مدت توسعه کشور عملیاتی شود. پیامد مشخص این روند توزیع نامتعادل منابع و فرصت‌های توسعه در پهنه سرزمین و تشدید نابرابری‌های فضایی از طریق جذب منابع و سرمایه‌گذاری‌های جدید در قطب‌های رشد موجود به واسطه صرفه‌های ناشی از هم‌جواری و مقیاس بوده است. در نتیجه نه تنها از عدم تعادل‌های فضایی سرزمین کاسته نشده است، بلکه شاهد تشدید و استمرار عدم تعادل‌های مزبور هستیم. عدم تعادل‌هایی که به معنای توسعه نیافتگی بخش بزرگی از پهنه کشور در برابر فشار بیش از حد به عرصه‌های محدودی از سرزمین است. هر چند بخشی از این کاستی‌ها ناشی از شرایط طبیعی کشور است که امکان توسعه و توزیع عادلانه امکانات را در کشور محدود می‌سازد اما بخش زیادی از آنها را می‌توان به سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته و حال و عدم سازگاری آنها نسبت داد. البته در تحلیل ساختار فضایی کشور نمی‌توان تنها سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته را مقصر قلمداد کرد زیرا بخشی از این عدم تعادل‌های فضایی ناشی از شرایط طبیعی حاکم بر کشور (شرایط اقلیمی و توپوگرافیک کشور) نیز هست. در واقع عوامل اصلی شکل‌دهی ساختار فضایی کشور را دو گروه عوامل غیر ارادی و ارادی تشکیل می‌دهند. عوامل غیر ارادی به آن گروه از عوامل اطلاق می‌شود که اراده بشر حداقل در شرایط حاضر نقش تعیین‌کننده‌ای در دگرگونی و تحول آن ندارد. این عوامل نیز به نوبه خود به دو گروه جغرافیای طبیعی و پیشینه تاریخی طبقه‌بندی می‌شوند. عوامل ارادی به عواملی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر اراده آدمی و تبعیت از سیاست‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده باعث تکوین، تکامل و مکان‌گزینی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین می‌شوند. این عوامل به نوبه خود به سه گروه اقتصادی-اجتماعی، الزام‌های امنیتی-دفاعی و عوامل منبعث از تحولات فرا ملی طبقه‌بندی می‌شوند. بر این اساس، توزیع جمعیت و فعالیت‌ها در کشور تحت تأثیر مجموعه‌ای از

عوامل ارادی و غیر ارادی قابل توجیه است. توزیع ناموزون فعالیت‌ها در پهنه سرزمین که گاه ناشی از عدم قابلیت‌های طبیعی یا به دلیل سیاست‌های ارادی چند دهه گذشته دولت بوده است موجب عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت در بین و درون مناطق کشور شده است. این عدم تعادل‌ها در ابعاد کیفی و کمی بین جوامع شهری و روستایی به طور کامل مشهود است. به همین دلیل ضروری است تا در کوتاه مدت این تناقضات شناسایی و اصلاحات لازم در آنها اعمال گردد. در غیر این صورت تمامی تلاش‌ها برای تحقق اهداف و سیاست‌های آمایش عقیم خواهد ماند. فشارهای سیاسی مسئولان محلی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی و فنی نیز از دیگر موانع و تنگناهای فراروی کشور قلمداد می‌شوند که باید مجموعه برنامه‌ریزان کشور در این زمینه تدابیر مناسبی اتخاذ کنند و راهکارهای مشخصی برای اجتناب از اجرای چنین پروژه‌هایی که بازخوردهای فضایی آنها بسیار شدید بوده است و در واقع اختلال در اهداف و سیاست‌های آمایش محسوب می‌شوند، ارائه نمایند.

راهبردهای پیشنهادی به منظور کاهش و یا حذف موانع یاد شده عبارتند از:

- ایجاد نظام تشکیلاتی مستقل و قدرتمند؛
  - استفاده از نیروی تخصصی کارآمد؛
  - طراحی نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین؛
  - تدوین و تنظیم یک سند چشم‌انداز برای بیان درست آرمان‌ها به گونه‌ای که برای همه مردم گویا، قابل فهم و به اندازه‌های انگیزاننده که همه مردم بتوانند سختی‌های آن را درک کنند؛
  - در تهیه برنامه برای دسته‌بندی و هماهنگی اطلاعاتی و پیشنهادات علاوه بر سطح مرکز و استان نیاز به سطح دیگری به نام منطقه است. استفاده از زیر ساخت داده‌های فضایی به منظور جلوگیری از دوباره کاری‌ها و بالا بردن قابلیت‌های نهفته در اطلاعات مکانی و افزایش بهره‌وری از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار در جامعه، لازم و ضروری است؛
  - در مرحله طراحی گزینه‌های پیشنهادی با توجه به چشم‌انداز باید موقعیت نسبت به هدف (کجا باید ایستاد؟)، راهبردها (به کدام سمت باید رفت؟)، و سیاست‌ها (با چه وسیله‌ای می‌توان رفت؟)، به طور کامل مشخص گردد؛
  - توسعه دانش فنی آمایش سرزمین و ایجاد این رشته در مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و یا در نظر گرفتن جایگاهی برای مرکز آمایش سرزمین در نظام آموزش عالی کشور و آموزش هدفمند نیروهای انسانی دخیل در فرآیند برنامه‌ریزی «آمایش سرزمین» در سازمان‌ها و ادارات ذیربط؛
  - استفاده از خرد جمعی به ویژه مشارکت شهروندان و بخش خصوصی؛
  - هماهنگی و یکپارچگی فرآیند تهیه «طرح آمایش سرزمین» و «طرح کالبدی ملی»؛
  - ملزم و متعهد کردن مدیران رده بالا و رده میانی به اجرای طرح‌های آمایش در جریان تغییرات مدیریتی با استفاده از قوانین آیین‌نامه‌های الزام آور صادره از نهادهای نظارتی و اجرایی؛
  - ایجاد زمینه‌های هماهنگی و همکاری بین سازمان‌های متولی امر آمایش سرزمین در مرحله تهیه، اجرا و نظارت با تشکیل کمیته مشترک همکاری‌های آمایش سرزمین؛
  - ملزم کردن سازمان‌های متولی و مخاطب سناریوهای پیشنهادی طرح‌های آمایش سرزمین به تدوین استراتژی مشخص در جهت برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه در چارچوب راهبردهای پیشنهادی؛
  - تقویت ساز و کارهای نظارتی؛
  - اهمیت دادن به توجیه اقتصادی طرح‌ها و اجرای طرح‌های دارای توجیهات اقتصادی منطقی و علمی؛
  - اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و افزایش سطح مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های کلان اقتصادی؛
  - کاهش خطر سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و افزایش ضریب اطمینان بخش تولید؛
  - تقویت و بهره‌برداری سازمان‌های متولی اجرای طرح‌های آمایش سرزمین در بهره‌برداری و استفاده از توازن سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
  - وجود طرح و برنامه مشخص و با پشتوانه قانونی لازم برای سازمان دهی فضا؛
  - تدوین قوانین الزام آور جهت اجرای سناریوهای پیشنهادی و ابلاغ و پیگیری چگونگی عمل به قوانین؛
  - تقویت جایگاه طرح‌های آمایش سرزمین در تدوین برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز؛
  - تسهیل در جریان پول و سرمایه در تمام مناطق و نقاط سرزمین و به عبارت دیگر تنظیم میزان جریان سرمایه.
- ارائه راهکارها و پیشنهادات به منظور کاهش و یا حذف موانع یاد شده عبارتند از:

اجرای شدن راهبردهای فضایی آمایش سرزمین نیازمند تغییر و تحول اساسی در ساختار مدیریتی، تصمیم‌گیری و اجرایی کشور است. برخی از الزامات آن عبارتند از:

- ۱- وجود دولت توسعه‌گرای کارآمد و واقع‌گرا؛
- ۲- استفاده از سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری فضایی؛
- ۳- وجود مدیریت استراتژیک دانش محور، اقتصاد دانش‌گرا و پویا و آینده‌نگر، ساختار مناسب منطقه‌ای، سلسله مراتب هماهنگ برنامه‌ای، نهادهای منطقه‌ای، و حداقلی از دموکراسی؛
- ۴- فراهم کردن توسعه فرهنگی و اجتماعی با آموزش مردم و مبتنی بر مشارکت آنها؛
- ۵- توسعه فضایی ملی و منطقه‌ای با بهره‌گیری از روش‌های کارآمد و تجارب تاریخی و ...

## منابع و مراجع

[1] UNECE (2008). "Spatial planning can help sustainable urban development in countries in transition". United Nations Economic Commission for Europe Information Unit Palais des Nations.

[2] Storbjörk, Sofie and Uggla, Ylva (2015). "The practice of settling and enacting strategic guidelines for climate adaptation in spatial planning: lessons from ten Swedish municipalities". *Regional Environmental Change*, Volume 15, Issue 6, pp. 1133-1143.

[3] Roggema, Rob (2013). "The Use of Spatial Planning to Increase the Resilience for Future Turbulence in the Spatial System of the Groningen Region to Deal with Climate Change". *Swarm Planning*, Part of the series Springer Theses pp 117-161.

[4] Davoudi, S. (2012). "Climate Change and the Role of Spatial Planning in England". *Climate Change Governance*, Part of the series Climate Change Management, pp 153-169.

[5] Oliveira Eduardo Henrique da Silva (2015). "Place branding in strategic spatial planning: A content analysis of development plans". *Strategic initiatives and policy documents for Portugal 2014-2020*, *Journal of Place Management and Development*, Vol. 8, Issue: 1, pp. 23 – 50.

[۶] وحیدی، پ (۱۳۷۳). "آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه ریزی آموزش عالی". تهران: فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم مسلسل ۷ و ۸.

[۷] صنیعی، ا (۱۳۹۰). "آمایش سرزمین راهی به سوی تعادل نظام شهری و توسعه یافتگی". *مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۱(۹ و ۱۰)، ۱۸۰-۱۶۹.

[۸] هادوی تهرانی، م (۱۳۷۰). "درآمدی بر برنامه ریزی آموزشی حوزه". *کیهان اندیشه*، شماره ۴۰، ۳-۵.

[۹] سلطانی، ا (۱۳۸۱). "روشهای برنامه ریزی آموزشی در توسعه سازمانها". *توسعه مدیریت*، شماره ۴۵، ۴۴-۵۰.

[۱۰] رحیمی، ر (۱۳۸۳). "برنامه ریزی آموزشی چیست؟". *تعاون*، شماره ۱۵۳، ۵۶-۶۰.

[۱۱] نوید بخش، س و بختیاری فایندری، م (۱۳۹۵). "از آمایش سرزمین تا برنامه ریزی آموزشی". *ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری*، شماره ۲۹، ۳۰-۴۱.

[12] Larsson, Gerhard (2006). "Spatial Planning Systems in Western Europe- An Overview". Delft Univ Press.

[۱۳] محمودی، س.م (۱۳۸۸). "تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه در نیم قرن گذشته و ارائه پیشنهاداتی اجرایی جهت بهبود وضعیت آمایش سرزمین ایران". *آمایش سرزمین*، ۱(۱)، ۱۴۱-۱۸۰.

[14] Henry, William (2002). "Curriculum: Perspective, Paradigm & Possibility", Leonard Hill Books.

[۱۵] خنیفر، ح (۱۳۸۹). "درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران". *آمایش سرزمین*، ۲(۲)، ۵-۲۶.

[۱۶] قریبی (۱۳۷۲). "آمایش سرزمین". تهران، *مجله سنبله*، شماره ۵۴.

[۱۷] صالحی، ا و پوراصغر سنگاچین، ف (۱۳۸۸). "تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران". *فصلنامه راهبرد*،

- [۱۸] عظیمی بلوریان، ا (۱۳۸۹). "مفهوم آمایش سرزمین در برنامه ریزی توسعه- خاستگاه ها". سیر تکاملی و تجربه ایران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۱۹] مؤمنی، م (۱۳۷۷). "اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای". اصفهان: انتشارات گویا.
- [۲۰] ایمانی جاجرمی، ح و دباغی، ح (۱۳۹۴). "مطالعه سیاست های اقتصادی ایران با رویکرد آمایش سرزمین (مطالعه موردی: برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور)". مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴(۳)، ۵۲۷-۵۲۱.
- [۲۱] قورچیان، ن. ق و جمشیدی اوانکی، م (۱۳۸۵). "از آمایش سرزمین تا برنامه ریزی درسی"، تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
- [۲۲] مخدوم، م (۱۳۷۶). "حفاظت از محیط زیست چیست؟ حمایت از محیط زیست کدام است؟". تهران: کتاب طبیعت، شماره ۱.
- [23] Navah, Z. and Liberman, A.S. (2002), "Landscape Ecology". Springer Verlage. Newyork.
- [۲۴] بصیرت، م (۱۳۹۰). "آمایش سرزمین". تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- [۲۵] عظیمی بلوریان، ا (۱۳۸۹). "مفهوم آمایش سرزمین در برنامه ریزی توسعه- خاستگاه ها". سیر تکاملی و تجربه ایران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [26] Salet, Willem and Woltjer, Johan (2009). "New concepts of strategic spatial planning dilemmas in the Dutch Randstad region". International Journal of Public Sector Management, Vol. 22 Issue: 3, pp. 235-248.
- [27] Townsend, Alan (2009). "Integration of economic and spatial planning across scales". International Journal of Public Sector Management, Vol. 22 Issue: 7, pp. 643-659.
- [28] Vullings, L.A.E; Blok, C.A and Wessels, C.G.A.M. (2013). Dealing with the Uncertainty of Having Incomplete Sources of Geo-Information in Spatial Planning, Applied Spatial Analysis and Policy, Volume 6, Issue 1, pp 25-45.
- [29] Mascarenhas, André; Ramos, Tomás B; Haase, Dagmar and Santos, Rui (2014). "Integration of ecosystem services in spatial planning: a survey on regional planner's views". Landscape Ecology, Volume 29, Issue 8, pp 1287-1300.
- [۳۰] تابش، ا (۱۳۸۳). "اندیشه توسعه و برنامه ریزی در ایران و چگونگی تشکیل سازمان برنامه". تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- [۳۱] سابقه برنامه ریزی در ایران (۱۳۷۷). "معاونت اموراتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان". سازمان برنامه و بودجه.
- [۳۲] کاظمی، م (۱۳۸۶). "مروری اجمالی بر سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران". مجله اقتصادی، ۷(۶۷ و ۶۸)، ۷۱-۷۹.
- [۳۳] رکن الدین افتخاری، ع (۱۳۷۲). "مکانیسم برنامه ریزی در ایران با تأکید بر برنامه ریزی روستایی". مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه. تهران: سمت، ۶۲.
- [۳۴] پوراصغر سنگاچین، ف (۱۳۸۷ الف). "مروری بر تحولات آمایش سرزمین (۱۳۴۷-۱۳۷۷)". هفته نامه خبری-تحلیلی برنامه. ۷(۲۸۸)، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- [۳۵] توفیق، ف (۱۳۸۴). "آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران". تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- [۳۶] علوی، م (۱۳۹۲). "برنامه پنجم از روی رودبایستی نوشته شده است". ماهنامه توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات (تکفا).
- [۳۷] منصوری، س (۱۳۸۹). "سیر تهیه و تصویب قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه". هفته نامه خبری-تحلیلی برنامه، ۹(۴۰۲)، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور
- [۳۸] اکبری، ی؛ ایمانی جاجرمی، ح و رستمعلی زاده، و (۱۳۹۵). "تحلیل و بررسی موانع آمایش سرزمین در ایران". فصلنامه علمی-ترویجی، ۳(۶)، ۶.
- [۳۹] سلطانی، ن (۱۳۹۲). "ارزیابی موانع فراروی طرح های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی". مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضا، ۳(۱۷)، ۶۳-۸۴.

[40] Kalantari, K. and Abdullah-zadeh, GH. (2012). "Spatial planning and land use planning". Tehran, Consulting Engineers of Tarh & Manzar, [In Persian].

[41] Valk, A.J. (2002). "The Dutch Planning Experience". Landscape and Urban Planning, No. 58, pp. 201-210.

[۴۲] ویسی، ه و مهماندوست، خ (۱۳۹۲). "تأثیر نظام سیاسی تک ساخت بر آرایش فضایی- مکانی و توسعه شهرهای ایران". فصلنامه ژئوپلتیک، ۹(۲)، ۲۲۹-۲۰۴.

[۴۳] احمدی پور، ز؛ جعفرزاده، ح و میرزایی، م. ر. (۱۳۹۳). "تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران". فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۴(۱۴)، ۱-۱۲.

